

«بررسی مقاومت سیاهان آمریکا علیه گفتمان مسلط در رمان آبی‌ترین چشم موریسون» (از دیدگاه نوتاریخی‌باوری و مادی‌گرایی فرهنگی)

سجاد قیطاسی*

کارشناس ارشد ادبیات انگلیسی، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور ایلام، ایران

علی حسن سهراب‌نژاد**

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور ایلام، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۱، تاریخ تصویب: ۹۰/۳/۲۲)

چکیده

آبی‌ترین چشم از تونی موریسون، بیان‌کننده یکی از ابعاد ایدئولوژی مسلط آمریکاست، در این رمان، گفتمان هژمونیک سفیدپوستان آمریکا، سیاهان را هر چه بیشتر مجبور به پذیرش استانداردهای بورژوازی زندگی می‌کرد. این پژوهش به جامعه سرمایه‌داری و استانداردهای بورژوازی ایالات متحده می‌پردازد و روی عنصر ایستادگی در برابر ایدئولوژی مسلط بر اساس دو مکتب مادی‌گرایی فرهنگی و نوتاریخی‌باوری تمرکز دارد. در جامعه آبی‌ترین چشم، اکثریت قریب به اتفاق سیاهان، از خود بیگانه و از خود متنفرند، کلاودیا و خواهرش دو شخصیتی‌اند که در برابر استانداردهای زیبایی‌ایستادگی می‌کنند. با تأکید بر عنصر مقاومت، در این رمان نظریه نوتاریخی‌باوران درست به نظر می‌رسد، چرا که مقاومت‌های کلاودیا در برابر هژمونی جامعه آمریکا شکست می‌خورد. اما بنابر نظر آلن سین‌فیلد - یکی از مادی‌گرایان فرهنگی - که معتقد به پیروزی احتمالی مقاومت (صدای مخالف) بر ایدئولوژی مسلط است، در جامعه آمریکایی رمان، چنین فرایندی رخ داده است، امروز سیاهان جامعه آمریکا با تکیه بر عناصر بازمانده و شکوفای فرهنگ آفریقایی-آمریکایی خود به ارزش و زیبایی خود پی برده‌اند و این کمترین کاری است که مقاومت سیاهان می‌توانسته انجام داده باشد.

واژه‌های کلیدی: نوتاریخی‌باوری، ماتریالیسم فرهنگی، هژمونی، ایدئولوژی، گفتمان، آبی‌ترین چشم، سیاهان آمریکا.

* تلفن: ۰۳۶-۳۳۸۴۰۳۶-۰۸۴۱، دورنگار: ۰۵۳-۲۲۲۱۰۵۳-۰۸۴۱، E-mail: sajjadgheytsi@yahoo.com

** تلفن: ۰۳۸۵-۳۳۳۰۳۸۵-۰۸۴۱، دورنگار: ۰۵۳-۲۲۲۱۰۵۳-۰۸۴۱، E-mail: sohrabnejad23@gmail.com

مقدمه

رمان *آبی‌ترین چشم* اثر تونی موریسون، دختری نه ساله را که متعلق به اوایل دهه ۴۰ میلادی در جامعه آمریکا است و مرعوب ایدئولوژی برتر و استانداردهای زندگی بورژوازی سفیدپوستان شده است، به تصویر می‌کشد. آرزوی پکولا (*Pecola*) داشتن چشمانی آبی است؛ چشمان آبی، موهای طلایی و پوست سفیدی که نمادهای زیبایی در جامعه رمان و ابزاری برای تسلط هژمونیک بر سیاهان به شمار می‌آید. در این جامعه که تونی موریسون به بهترین نحو آن را به تصویر می‌کشد، سیاهان از این استانداردها بی‌بهره‌اند و زشت و فرودست خطاب می‌شوند.

تونی موریسون اولین زن سیاهپوستی است که موفق به دریافت جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۹۳ میلادی شده، او هم‌چنین نخستین زن سیاهپوستی است که کرسی‌ای به نام خود در دانشگاه پرینستون آمریکا دارد. حجم وسیعی از کارهای او بازگو کننده مشکلات سیاهان در جامعه امریکاست که در این میان، می‌توان به *آبی‌ترین چشم* (۱۹۷۰)، *سولا* (۱۹۷۳)، *آواز سلیمان* (۱۹۷۷)، *بچه قیر* (۱۹۸۱)، *محبوب* (۱۹۸۷)، *بهشت* (۱۹۹۹) و *عشق* (۲۰۰۳) اشاره کرد. با توجه به اهمیت موضوع، کارهای وی در ایران و جهان مورد توجه پژوهشگران، منتقدان و مترجمان گستره ادبیات قرار گرفته است. از جمله می‌توان به کتابی با عنوان «خوانش انتقادی» از آنه پیرسه (*Ana Piers*) ترجمه عبدالعلی دستغیب اشاره کرد. پیرسه در این کتاب، سه رمان ادبیات زنانه را به سبک باختین نقد کرده که یکی از آنها «دلبنده» اثر تونی موریسون است. از جمله کارهای دیگر می‌توان به «پیشرفت آگاهی طبقاتی تونی موریسون» از دوروتی بالیا (*Doreatha Mbalia*) اشاره کرد که نقدی موشکافانه از *آبی‌ترین چشم* موریسون به شمار می‌آید. هارولد بلوم (*Harold Bloom*) در سال ۲۰۰۵ با گردآوری مقالاتی از منتقدان مختلف درباره موریسون، کتابی به نام «تونی موریسون» منتشر کرد که آثاری درباره *آبی‌ترین چشم* در آن دیده می‌شود. از دیگر آثار می‌توان به کتاب «سیاست‌های جنسی سیاه؛ سیاهپوستان آمریکا، جنسیت، راسیسم (نژادپرستی) جدید» از پاتریشیا کالینز (*Patricia Collins*) اشاره کرد که به سال ۲۰۰۴ توسط انتشارات راتلیج چاپ شد. ماحصل کلام ایشان، نظر منفی فرهنگ غرب نسبت به سیاهان است که آنان را حیواناتی با قدرت جنسی بالا توصیف می‌کند.

در رمان *آبی‌ترین چشم*، تنها دو شخصیت - کلاودیا و فریدا (*Ferida*) - یند که نسبت به هژمونی نظام سرمایه‌داری مقاومت می‌کنند. این دو خواهر، سیاه را زیبا می‌دانند، عروسک‌های باری - نمادی از زیبایی سفیدپوستان و هم‌چنین ابزاری برای تسلط هژمونیک بر

سیاهان - را تکه‌تکه می‌کنند و حتی می‌خواهند که جنین پکولا- نمادی از نفرت و زشتی- زنده بماند. مقاومت این دو خواهر در برابر گفتمان مسلط سفیدپوستان بورژوا، نقطهٔ اختلاف نظر بین مادی‌گرایان فرهنگی و نوتاریخی‌باوران است.

در بررسی این رمان از آرای صاحب‌نظران این دو جنبش ادبی استفاده شد، تا با نگاهی ویژه، وضعیت سیاهان در جامعهٔ سرمایه‌داری آمریکا بررسی شود. بیشتر نوتاریخی‌باوران و مادیگران فرهنگی از نظریات میشل فوکو (Michel Foucault) و لوئیس آلتوسر (Louis Althusser) متأثراند که معتقدند در جوامع سرمایه‌داری افراد به شدت تحت تأثیر نهادهای اجتماعی و گفتمان‌های ایدئولوژیک‌اند.

آلتوسر در کتاب *لنین و فلسفه* (۱۹۷۱)، ساختار ایدئولوژی را ساختاری مادی ترسیم می‌کند و آن را درون نهادهای مادی جای می‌دهد، این نهادها عبارتند از: نهادهای سیاسی، آموزشی، رسانه‌های گروهی و غیره. او همچنین معتقد است ایدئولوژی مسلط در جوامع سرمایه‌داری، با کمک گرفتن از این نهادها، افراد را وادار به پذیرش و تمکین در برابر استانداردها و مقررات قدرت حاکم می‌کند (ر.ک. آلتوسر ۱۹۷۱: ۱۵-۱۱۲). فرایند پذیرش استانداردها که با کمک گرفتن از نهادهای مادی یا دستگاه‌های ایدئولوژیکی دولتی (Ideological State Apparatus) اعمال می‌شود، بی‌هیچ مقاومتی صورت می‌گیرد (ر.ک. آلتوسر ۱۹۹۸: ۷۰۱). در مدلی که آلتوسر ارائه می‌دهد، قدرت ایدئولوژیک نظام سرمایه، تمامی مقاومت‌ها را در خود حل می‌کند و این درست همان چیزی است که در جامعهٔ آمریکا توسط تونی موریسون در قالب رمان بیان می‌شود. اکثریت سیاهان به زشتی و فرودستی خود ایمان آورده‌اند، آن‌گونه که این عقیده در آن‌ها درونی شده است. فرایند درونی‌سازی استانداردهای نظام سرمایه که متأثر از فشارهای هژمونیک قدرت مسلط‌اند، توسط فوکو در قالبی دیگر بیان می‌شود. نظریات فوکو دربارهٔ قدرت و مقاومت، متفاوت و گاه متناقض‌اند. نوتاریخی‌باوران و سرآمد آنان استفان گرین‌بلات (Stephan Greenblatt) براین باورند که فوکو در کتاب *انضباط و مجازات؛ تولد زندان* (۱۹۹۱)، قدرت برتر را فاقد مقاومت می‌داند و اگر هم مقاومتی باشد، این مقاومت، از سوی قدرت مسلط، محکوم به شکست، در بر گرفته شدن (Containment) و هم‌چنین برگزینی به عنوان همکار (Cooptation) است (ر.ک. گرین‌بلات ۱۹۸۱: ۴۸). به اعتقاد این گروه از منتقدان، نظام تمامیت‌خواه (Panopticon) قدرت مسلط، همگان را وامی‌دارد تا خود پلیس خود باشند (Self-discipline)، از سویی دیگر، مادی‌گرایان فرهنگی با اتکا به نظریات فوکو در کتاب *تاریخ تمایلات جنسی* (۱۹۹۰) دربارهٔ قدرت و

مقاومت می‌گویند که نباید برای مقاومت در برابر گفتمان مسلط، نتیجه و حاصلی متصور بود. فوکو در کتاب یادشده می‌گوید: هر جا قدرت وجود داشته باشد، مقاومت هم هست (ر.ک. فوکو، ۱۹۹۰: ۶-۹۴)، این به آن معنا نیست که قدرت مسلط همیشه مقاومت‌ها را در بر می‌گیرد. آلن سین‌فیلد (Alan Sinfield) (۱۹۹۲) که یکی از منتقدان کلیدی مادی‌گرایی فرهنگیست، با تکیه بر همین نظر می‌گوید در کشمکشی طولانی، ممکن است گاهی قدرت مسلط، گفتمان خود را حفظ کند و گاهی هم این مقاومت است که ایدئولوژی حاکم را به شکست وا می‌دارد، پس نمی‌توان در باره فرجام مقاومت، پیشداوری کرد (ر.ک. سین‌فیلد، ۴۹).

بحث و بررسی

تاریخچه بحث نظری

نوتاریخی‌گری در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی توسط استفان گرین‌بلات در آمریکا پایه‌ریزی شد. نوتاریخی‌باوران معتقدند که نیروهای هژمونیک قدرت مسلط، برای محدود کردن و در برگرفتن هر صدای مخالفی، تلاش مضاعفی را انجام می‌دهند. نوتاریخی‌باوران تحت تأثیر نظریات فوکو در زمینه‌های قدرت، مقاومت و هم‌چنین جزم‌اندیشی، و نیز آراء آلتوسر درباره ایدئولوژی، نسبت به عاقبت مقاومت در برابر ایدئولوژی مسلط بدبین هستند. آنان هم‌چنین معتقدند که قدرت مسلط توسط ابزارهای غیررسمی - به عنوان مثال، نمایش تخت و تاج شاهانه در تئاتر - ابقا می‌شود و هر گونه مقاومت در مقابل آن، محکوم به در بر گرفته شدن توسط نیروهای هژمونیک قدرت مسلط است (ر.ک. مکاریک، ۲۶).

نوتاریخی‌باوران با بیان این که قدرت مسلط، عناصر تحت کنترل خود را در بر می‌گیرد تا خود بازتولید شود، بر این نکته تأکید دارند که قدرت مسلط، حضوری ناگزیر و قاطع دارد، این در حالی است که مادی‌گرایان فرهنگی، بر تعلیق یا ویران‌سازی ایدئولوژی بورژوازی که در ادبیات باز تولید شده‌است، تأکید می‌ورزند.

هدف مادی‌گرایان فرهنگی از تحلیل متون ادبی این است که نشان دهند همیشه خطوطی در مخالفت با قدرت مسلط وجود دارد. مادی‌گرایان فرهنگی در پی آنند تا ماهیت قدرت را از پرده ابهام بیرون آورند، آن‌ها معتقدند که قدرت مسلط، با استفاده از ایدئولوژی‌های برگزیده، سعی در بازتولید خود در متون ادبی دارد، ولی در واقع متون ادبی با به نمایش گذاشتن تناقض‌هایی که قدرت مسلط را می‌کاهند، به لحاظ سیاسی نقشی ویران‌ساز دارند. مادی‌گرایان

فرهنگی سرانجام به بیان تناقضاتی می‌پردازند که به تغییرات فرهنگی می‌انجامد. مادی‌گرایی فرهنگی در اواخر دهه ۸۰ و اوائل دهه ۹۰ میلادی در بریتانیا پایه‌ریزی شد. اصطلاح مادی‌گرایی فرهنگی توسط ریموند ویلیامز (Raymond Williams) نام‌گذاری شد. او معتقد است، در هر دوره‌ای از تاریخ، نیروهای فرهنگی متفاوت با یکدیگر هم‌کنش‌اند- وی این نیروها را مسلط، بازمانده و شکوفا می‌نامد- و این در حالی است که نیروهای مسلط هرگز توان به‌کارگیری همه آن‌ها را به سود خود ندارند و حتی ممکن است حاکمیت سرمایه‌دار توسط نیروهای مخالف، مورد مخالفت قرار گیرد. این قبیل مقاومت‌ها ممکن است در ادبیات هم نمود بیابد، یعنی ممکن است همیشه در کارهای ادبی، سطرهایی در نفی قدرت مسلط پیدا شود (ر.ک. ویلیامز ۱۲۳).

آلن سین‌فیلد- از نظریه‌پردازان اصلی مادی‌گرایی فرهنگی- به خوانشی ناموافق (Reading Dissidenc) از آثار ادبی معتقد است. سین‌فیلد بر آن است که در کارهای ادبی، گسست یا گسست‌هایی (fault lines) وجود دارد که ایدئولوژی مسلط را نفی می‌کند (ر.ک. ریوکی ۷۵۰). مادی‌گرایان فرهنگی بریتانیا می‌کوشند تا خود را از خوانش محدود آمریکایی از فوکو رها سازند. آن‌ها از لحاظ سیاسی تندرو به شمار می‌آیند و نسبت به مقاومت‌هایی که بر ضد ایدئولوژی مسلط اعمال می‌شود، خوش‌بین‌اند. اعتقاد به شکست یا پیروزی مقاومت، در برابر گفتمان یا ایدئولوژی مسلط- که نقطه اختلاف نظر بین نوتاریخی‌باوران و معتقدان به مادی‌گرایی فرهنگی است- در رمان آبی‌ترین چشم در دو بخش بررسی خواهد شد. در بخش اول با استفاده از نظریات گرین‌بلات، فوکو (۱۹۹۱) و آلتوسر بررسی می‌شود که چگونه پایداری سیاهان در ایدئولوژی سفیدپوستان ذوب می‌شود. در بخش دوم، با کمک گرفتن از نظریات سین‌فیلد ویلیامز و فوکو (۱۹۹۰) چگونگی شکل‌گیری گسست و تناقض درون ایدئولوژی سفیدپوستان و سرانجام مقاومت از دیدگاه مادی‌گرایان فرهنگی بررسی خواهد شد.

بخش اول: بررسی رمان آبی‌ترین چشم^۱ با توجه به دیدگاه نوتاریخی باوران در مورد مقاومت

رمان آبی‌ترین چشم، تابلویی تمام‌نما از وضعیت فکری و شرایط زندگی سیاهان آمریکاست. کلودیا و خواهرش در مقابل هژمونی گفتمان مسلط سفیدپوستان بورژوا مقاومت می‌کنند، ولی سرانجام، آن‌ها در برابر استانداردهای جامعه سرمایه‌داری آمریکا ناگزیر از تمکین‌اند. به عبارت دیگر، قدرت مسلط، بر مقاومت آن‌ها چیره می‌شود (Theory of Containment) و این همان چیزی است که نوتاریخی باوران به آن اعتقاد دارند.

۱-۱ چیرگی بر مقاومت سیاهان توسط ایدئولوژی مسلط جامعه آمریکا

تمرکز نوتاریخی باوران بر قدرت است و این که چگونه ایدئولوژی مسلط می‌خواهد گفتمان‌های مخالف را منکوب کند و در برگیرد. آلتوسر می‌گوید «ایدئولوژی [مجموعه‌ای است از نهادها و رفتارهایی که] به جای ارائه واقعیت وجودی انسان، نوعی رابطه و همی را میان افراد به‌نمایش می‌گذارد» (آلتوسر ۱۹۷۱: ۱۰۹).

او هم‌چنین در مقاله‌ای با عنوان ایدئولوژی و دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت (Ideology and Ideological State Apparatuses) یا (ISAs) می‌گوید که در جوامع نوسرمایه‌داری، طبقه حاکم (در این رمان سفیدپوستان جامعه آمریکا) تلاش می‌کند از طریق نهادها و دستگاه‌های دولتی، حاکمیت خود را حفظ کند (ر.ک. آلتوسر ۱۹۹۸: ۷۰۱).

کلاودیا- یکی از دو شخصیت اصلی این رمان که در مقابل استانداردها مقاومت می‌کند -

۱- خلاصه‌ای از داستان چنین است:

کلاودیا ۹ ساله و خواهرش فریدا ۱۰ ساله در لورین اوهایو با پدر و مادرشان زندگی می‌کنند. داستان در سال ۱۹۳۱ روی می‌دهد که همزمان با دوره انحطاط بزرگ (Great Depression) و وخامت اوضاع اقتصادی است. این دو خواهر برخلاف پکولا که شخصیتی شرمسار و اثرپذیر دارد، آزادی و زیبایی را در گوش دادن به موسیقی پدربزرگ و نشستن در آشپزخانه مادر بزرگ می‌یابند. پکولا دختری است هم سن و سال کلودیا، این شخصیت - که در حقیقت نمادی است از اکثریت سیاهان آمریکا - شیفته استانداردهای زندگی بورژوازی می‌شود. پکولا فکر می‌کند با داشتن چشمانی آبی - نماد و استاندارد زیبایی - زندگی‌اش دگرگون می‌شود. پدر پکولا (چالی) مردی دائم‌الخمر است که خانه‌اش را آتش می‌زند، به‌دخترش پکولا تجاوز می‌کند و پکولا از او آستن می‌شود. مادر پکولا (پاولین) به شدت تحت تأثیر هژمونی طبقه حاکم قرار دارد، رفتن به سینما، خوردن آب‌نبات و تمیز کردن خانه سفیدپوستان، از کارهای مورد علاقه اوست. سرانجام، پکولا دیوانه می‌شود، با این توهم که به آرزوی خود (داشتن چشمانی آبی) دست یافته است.

می‌گوید: «مسن ترها، جوان‌ترها، مغازه‌ها، مجله‌ها، علامات و نشانه‌های روی شیشه‌ها- همگی موافق آن بودند که عروسک چشم‌آبی، مو طلایی و صورتی رنگ، مثل گنجی برای دخترهاست» (موریسون ۱۴). نهادها و دستگاه‌های ایدئولوژیک دولتی جامعه آمریکا تا حد زیادی توسط سفیدپوستان بورژوا اداره می‌شوند و این نهادها باید اعلام کنند که سفیدپوست بودن، به معنای خوبی و زیبایی است. وقتی سیاهان به خود می‌نگرند، جز زشتی در خود نمی‌بینند، چرا که همه دنیا (دستگاه‌های ایدئولوژیک دولتی) در صدد القای این معنی‌اند که آنها زشت‌اند.

رمان آبی‌ترین چشم درباره سیاهانی است که به وسیله شبکه‌ای از ارزش‌ها که فرهنگ مسلط- با هدف استقرار قدرت خود- آنها را بنیان نهاده است، در برگرفته می‌شوند. برای نمونه آن چه در پی می‌آید، گفته‌های پاولین (Paulin) مادر پکولاست:

«رفتم تا ژان هارلو (Jean Harlow) [نمادی از استانداردهای زیبایی] را ببینیم. موهایم را مثل اونی که تو مجله دیده بودم، درست کردم... حامله بودم، پنج ماهه... همه تلاشم این بود که مثل ژان هارلو بشوم، تا این که دندان‌های جلویم ریخت، همه چیز از دستم رفت.... گذاشتم تا موهایم.... همان طور زشت باشند» (همان ۹۶).

همان طور که پیش‌تر گفته شد، نوتاریخی باوران- تحت تأثیر نظریات آلتوسر- بر این عقیده پافشاری می‌کنند که ایدئولوژی مسلط، افراد جامعه را وادار به تمکین از قوانین، مقررات و ارزش‌های طبقه حاکم می‌کند. نوتاریخی باورانی چون استفان گرین‌بلات و لوئیس مونتروس (Louis Montrose) معتقدند که قدرت مسلط، ساختاری یکتا دارد، به گونه‌ای که دیگر مقاومت‌ها در برابر گفتمان قدرت مسلط، محکوم به شکست‌اند، ایدئولوژی برتر هم، از آنها به عنوان وسیله‌ای برای استحکام بخشی به قدرت خویش بهره می‌برد (ر.ک. مونتروس ۳۰). در این رمان، بیشتر سیاهان، گفتمان حاکم بر جامعه آمریکا را بی‌هیچ مقاومتی پذیرفته‌اند؛ این درونی‌سازی و پذیرش به خوبی در گفتار شخصیت‌های رمان، آشکار است. برای نمونه چالی (Cholly) (پدر پکولا) می‌گوید: «انگار که خداوند پیرمردی سفیدپوست و مهربان بود با موهای بلند سفید، ریش سفید و چشم‌های کوچک آبی.... شیطان باید مثل آنها [سیاهان] باشد... شیطان سیاه» (موریسون ۱۰۵).

استانداردهای هژمونیک مسلط سفیدپوستان، تنها توسط کلاودیا و خواهرش مورد نقد قرار می‌گیرد، کلاودیا می‌گوید:

«همه چیز با کریسمس و هدیه عروسک‌ها شروع شده بود. هدیه‌ای بزرگ، مخصوص و

دوست‌داشتنی، همیشه یک عروسک چشم آبی بزرگ بود» (همان).

کلاودیا از عروسک‌ها - نمادهایی از استانداردهای جامعه سفیدپوستان بورژوا - متنفر است و در عوض، آهنگ‌های محلی سیاه‌پوستان را از مادرش یاد می‌گیرد، نشستن در آشپزخانه مادر بزرگ و گوش دادن به ویولن پدر بزرگ را بیشتر از داشتن عروسک‌های موطلابی، چشم آبی و صورتی رنگ دوست دارد. به نظر می‌رسد تنها عاملی که باعث می‌شود در کل روایت، کلاودیا به‌عنوان راوی باقی بماند، اعتقاد این دختر بچه باشد که سیاه، زیباست. ولی نکته این‌جاست که او در نهایت، در مقابل استانداردهای زندگی سفیدپوستان بورژوا سر تعظیم فرود می‌آورد. وی می‌فهمد در سرزمینی که چشمان آبی، هژمونی طبقه مسلط حاکمیت‌اند، هیچ سیاهی نمی‌توانند از نگاه خیره‌اش فرار کند. کلاودیا می‌گوید: «بعدها آموختم تا او را [شایرلی تمپل] بپرستم» (همان ۱۶). بدین گونه است که ایدئولوژی و گفتمان مسلط بورژوازی، تنها منتقد/مقاومت‌کننده را فرامی‌گیرد و او را به تمکین و امی دارد. این امر درست‌همانی است که نوتاریخی‌باوران و در رأس آن‌ها، استفان گرین‌بلات عادت دارند از آن به‌عنوان نظریه فراگیری یا به‌عنوان همکار برگزینی یاد کنند. چشمان آبی در حقیقت همان برج دیده‌بانی مورد نظر فوکو است؛ نظام خودتنبه‌بین امریکا بدون توسل به زور و خشونت، آنانی را که از داشتن چشمان آبی بی‌بهره‌اند، و می‌دارد تا خود انضباطی را پی گیرند و خود پلیس خود باشند.

۲-۱- درونی‌سازی گفتمان مسلط سفیدپوستان بورژوا توسط شمار قابل ملاحظه‌ای از سیاهان

فوکو در کتاب جنون و تمدن می‌نویسد که استانداردها و قواعد گفتمان مسلط، تعیین‌گر شرایط طبیعی افراد است؛ سپس هر آنچه را که به‌دوراز این استانداردها و قوانین باشد، غیر طبیعی می‌داند و آن را نشان‌گر سکوت و محروم برمی‌شمارد (ر.ک. فوکو ۱۹۷۷: ۲۳۷). در جوامع دموکراتیک و سرمایه‌داری، پس از تعیین و آنگاه پی‌ریزی ویژگی‌های طبیعی گفتمان برتر، نوبت به قدرت مسلط تمامیت‌خواه می‌رسد تا در تمامی ابعاد زندگی افراد جامعه، این استانداردها را کار بندد و بعد از مدتی در افراد نوعی خود انضباطی پدید آورد. در رمان آبی‌ترین چشم، موریسون، به خوبی این فرایند را با زبان رمان تبیین می‌کند:

او [پکولا]، مری جین [از معیارهای نرمال] را به یاد می‌آورد.... تصویر جین کوچولو که آب نبات به نام او بود. صورت سفید خندان، موهای طلایی پرشکن، چشمان آبی.... او آب نبات را می‌خورد، خوردن آب نبات به نوعی، خوردن چشمان آبی است، خوردن مری جین

است. مری جین را دوست بدار، مری جین باش! (موریسون ۳۸).

موریسون جامعه‌ای را به تصویر می‌کشد که گفتمان مسلط سفیدپوستان، آن را تحریف کرده است. این جامعه، زادگاه بچه‌هایی است که پکولا نماد همه آن‌هاست.

سیاهان در جامعه آمریکا به واسطه استانداردهای جامعه بورژوازی تحت تفتیش و مراقبت دائم (یا به تعبیر فوکو برج دیده‌بانی قدرت مسلط) قرار دارند. به هر جا که می‌نگرند جز فقر و زشتی خود چیزی نمی‌بینند. راوی دانای کل رمان می‌گوید:

مثل این بود که ارباب مرموز همه چیزدان [all- Knowing] به هر یک [از سیاهان] خرقه‌ای از زشتی داده بود که بپوشند. همگی، آن را بی‌هیچ سؤالی پذیرفته بودند. ارباب گفته بود شما مردمی زشتید، آن‌ها به اطراف خود نگرستند، و چیزی برخلاف گفته او ندیدند. در حقیقت، هر چه دیدند در هر سینما، در هر اطلاعیه و آگهی و در هر نگاه، موافقت بود با آن گفته، آن‌ها تنها گفتند: «بله» (همان ۲۹).

سیاهان، زشتی و فرودستی خود را بی‌هیچ سؤالی می‌پذیرند، به عبارت دیگر، نظام تنها خودبین فرهنگ مسلط - که در این داستان به یک ارباب همه چیزدان تشبیه می‌شود - سیاهان را وا می‌دارد تا قوانین و قواعد حاکم را درونی سازند. چنان که گفته شد، به عقیده فوکو در جوامع دموکراتیک و سرمایه‌داری، هر فردی خود پلیس خود می‌شود و نوعی خودانضباطی حاکم می‌شود. در این رمان نیز می‌بینیم که اکثر سیاهان به وضعیت خود ایمان دارند و هیچ مقاومتی یا مخالفتی ابراز نمی‌کنند. طبق نظر نوتاریخی باوران، همگی سیاهان، توسط فرهنگ، گفتمان و ایدئولوژی قدرت مسلط منفعل شده و فرهنگ حاکمیت را پذیرفته‌اند، حتی تنها صدای مخالفی هم که از جانب کلاودیا بیان می‌شود، توسط قدرت مسلط به همکاری گرفته می‌شود (Theory of Cooptation).

بخش دوم: بررسی رمان از منظر مادی‌گرایی فرهنگی

۲-۱ خوانشی ناموافق از رمان

رمان آبی‌ترین چشم، با قطعه‌ای درباره یک خانواده سفیدپوست شروع می‌شود، این خانواده بورژوا، همه استانداردهای طبیعی بودن را دارند. موریسون به عمد استانداردها را در ابتدای اثر خویش می‌آورد تا در طول رمان بتواند آن‌ها را نقض کند. این قطعه یا متن ابتدایی، دوبار تکرار می‌شود: بار اول همراه با نقطه‌گذاری، فاصله بین کلمات و جملات و حروف

بزرگ اول جملات. ولی بار دوم این قواعد و ساختارها را در هم می‌شکنند، این شالوده‌شکنی، مهم‌ترین درونمایهٔ رمان است: استانداردهای سفیدپوستان بورژوا، مناسب دیکته شدن به زندگی آفریقایی-آمریکایی‌ها نیست. موریسون در طول روایت، سطرهایی را از زبان شخصیت‌ها بیان می‌کند که نشان‌گر تلاش او برای رویارویی با جهان ایده‌آل‌سازی شدهٔ سفیدپوستان است، قصد موریسون به وجود آوردن دنیایی خاص سیاهان و مناسب حال آنهاست. در حقیقت، خانم موریسون قصد دارد در مقابل دنیای هژمونیک آمریکای سفید، مقاومت کند. از زبان کلاودیا آمده است:

من نمی‌دانستم چرا عروسک‌ها را می‌شکنم، ولی می‌دانستم که هیچ‌کس هرگز از من نپرسیده برای کریسمس چه می‌خواهم.... همه چیز را برای تصاحب کردن یا داشتن نمی‌خواهم. بلکه بیشتر می‌خواهم چیزی را در روز کریسمس احساس کنم.... می‌خواهم که روی چهار پایهٔ کوتاه آشپزخانهٔ مادربزرگ بنشینم و به ویولون پدر بزرگ گوش کنم (موریسون ۱۵).

موریسون در سطرهایی این چنینی قصد دارد تا احساسات و تجربیات مختص سیاهان را به دنیای سفیدپوستان بورژوا- که همه چیز را برای تصاحب کردن می‌خواهند- برتری بخشد. ولی در نهایت کلاودیا هم باید در مقابل هژمونی جامعه‌ی آمریکا تسلیم شود: وقتی فهمیدم چقدر زننده بود آن خشونت مغرضانهٔ من [خشونت‌ی که در برابر دختران سفیدپوست و عروسک‌ها از خود نشان می‌داد]... خجالت‌پناهایی جستجو می‌کرد. بهترین جا عشق بود. یک عشق تقلبی.... بعدها یاد گرفتم تا شایرلی تمپل را پرستش کنم (همان ۱۶).

موریسون معتقد است که در این هنگام، توان مقابله با هژمونی سفیدپوستان وجود ندارد و باید عشقی تقلبی ساخت. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، آلن سین فیلد معتقد است که به منظور از کار انداختن نظریهٔ به‌کارگیری مقاومت‌ها توسط قدرت مسلط که از سوی نوتاریخی‌باوران بیان می‌شود، او از اصطلاح ناموافق و یا عدم توافق (dissidence) استفاده کرده است. وی در کتاب گسست‌ها: مادیگرایی فرهنگی و سیاست‌های خوانش ناموافق، می‌نویسد:

من از اصطلاح ناموافق استفاده می‌کنم تا بدون پیش‌داوری دربارهٔ نتیجه، آن بخش از قدرت مسلط را نشان دهم که [توسط نیروهای مخالف] پذیرفته نشده است... در نتیجه زمینه‌ای فراهم می‌شود برای کشمکش مداوم که در آن گاهی قدرت مسلط از کار خواهد افتاد، در حالی که در سایر موقعیت‌ها، فرودست حتی توان حفظ موقعیت موجودش را نیز

ندارد (سین فیلد ۴۹).

پرواندن عشقی قلبی از جانب کلاودیا با کمک گرفتن از نظریات سین فیلد قابل بررسی است. در آن دوره تاریخی، توان مقابله با هژمونی سفیدپوستان وجود نداشت، و نه تنها مقاومت‌های کلاودیا، که خود رمان هم تحقیر و بد خوانده می‌شد. ولی امروزه با گذر زمان و با کمک گرفتن از جنبش‌هایی از قبیل سیاه زیباست، رنسانس هارلم (Harlem Renaissance) و شخصیت‌هایی مثل مالکوم ایکس (Malcolm X)، لنگستن هیوز (Langston Hughes)، جکی رابینسون (Jackie Robison)، مارتین لوتر کینگ (Martin Luther King) و غیره که در مقابل ایدئولوژی سفیدپوستان مقاومت کردند، شاهد تحولی شگرف در زندگی سیاهانیم. سیاهان اکنون به زیبایی و ارزش خود پی برده‌اند. یعنی همان طور که سین فیلد می‌گوید نباید دربارهٔ عاقبت مقاومت پیش داوری کرد.

۲-۲ عناصر بازمانده (Residual) در رمان

ویلیامز در کتاب ادبیات و فلسفهٔ مارکیستی در مقاله‌ای با عنوان «مسلط بازمانده و شکوفا»، می‌نویسد که در کنار عناصر مسلط و هژمونیک، عناصر بازمانده و شکوفا وجود دارند (ویلیامز ۳۴). ایرناریما مکاریک (Irena Rima Makaryk) در کتاب *دانش‌نامهٔ نظریه‌های ادبی* (۲۰۰۶) می‌نویسد:

در لحظه‌های تاریخی، عناصر مسلط، ایدئولوژی حاکم را می‌سازند، این در حالی است که بقایای ایدئولوژی‌های پیشین، آثاری از خود بر جای می‌گذارند، این عناصر بازمانده و اندیشه‌های شکوفا در قالب اندیشه‌ها و ارزش‌های جدید، باورهای اساسی را به چالش می‌کشند (۲۶۶).

همین نویسنده معتقد است که عناصر بازمانده و شکوفا همیشه در جامعه وجود دارند و به هیچ روی با عناصر مسلط هم سو نیستند. در رمان *آبی‌ترین چشم*، فرهنگ مسلط جامعهٔ بورژوازی سفیدپوستان آمریکا با عناصر بازمانده و شکوفای جامعهٔ سیاهان نقض می‌شود و مورد مخالفت قرار می‌گیرد. ترانه‌ها و داستان‌های بومی سیاهان در این رمان، بخشی از فرهنگ بر جای مانده‌اند (عناصر بازمانده)، که کلاودیا و فریدا از مادرشان یاد می‌گیرند، در مقابل، پاولین (مادر پکولا) به جای خواندن این آهنگ‌ها، از صدایش برای دعوا با چالی (پدر پکولا) استفاده می‌کند. بقای این دو خواهر در آخر رمان، کاری است تعمدی از سوی خانم موریسون تا نشان دهد که با تمسک به عناصر بازمانده از فرهنگ سیاهان آفریقا، ماندگاری در جامعهٔ

هژمونیک آمریکا امکان‌پذیر است. او در سخن آخر (after ward) می‌نویسد:
انتخاب زبانی که محاوره‌ای است، اعتماد به درک کامل رموز درون فرهنگ سیاهان،...
تلاشم برای تحت تأثیر قرار دادن دسیسه‌ای که خود همکار آنیم... هم‌چنین تلاشم برای شکل
دادن به نوعی سکوت و شکستن آن، همگی برای دگرذیسی و تغییر شکل ارزش‌ها و پیچیدگی
فرهنگ سیاهان آمریکا به درون زبانی است که ارزش آن فرهنگ را داشته باشد (موریسون
۱۷۲).

موریسون با کاربری از این زبان، قادر است پیچیدگی‌های زندگی سیاهان را بازتاب دهد
و از زبانی سوای زبان کاربردی سفیدپوستان بهره گیرد. به عبارت دیگر، زبان سیاهان آمریکا
بی‌شک ریشه‌هایی آفریقایی دارد و هویت آفریقایی آن‌ها را تعیین می‌کند و برجسته می‌سازد.
ترانه‌های شفاهی بازمانده سیاهان، در حقیقت همان میراث آفریقایی است که در روح جمعی
آن‌ها جریان دارد، ترانه‌ها، داستان‌ها، نقل قول‌های محلی، درس‌ها و دانسته‌هایی در مورد
زندگی، همگی از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده‌اند، فرهنگ مسلط جامعه آمریکا بر آن است
تا همه را نادیده بگیرد، ولی خانم موریسون با کمک گرفتن از ادبیات، تلاش در زنده نگه
داشتن آن‌ها دارد.

به عبارتی دیگر، در کنار اغلب سیاهان که استانداردهای زندگی بورژوازی را درونی
ساخته‌اند، شخصیت‌هایی چون کلاودیا و فریدا وجود دارند که در برابر ایدئولوژی و گفتمان
مسلط ایستاده و مقاومت می‌کنند. موریسون از زبان این شخصیت‌ها، ایده‌های مخالف
(dissidence) را بیان می‌کند و هم‌چنین به عناصر بازمانده، روحی تازه می‌بخشد. درست است
که، این شخصیت‌ها هم سرانجام تسلیم فرهنگ برتر شدند و عشقی جعلی را نسبت به هژمونی
مسلط جامعه آمریکا ابراز کردند، ولی امروزه سیاهان به ارزش و اعتبار خود پی‌برده‌اند. به
سخن دیگر، طبق نظر سین فیلد نباید برای مقاومت سیاهان، آینده‌ای را از قبل پیش‌بینی کرد.

نتیجه

رمان آبی‌ترین چشم، در سال ۱۹۷۰ که سالی بحرانی در تاریخ حقوق مدنی آمریکاست،
چاپ شد. در دهه ۷۰ میلادی دگرگونی‌هایی اساسی در زندگی سیاهان آمریکا اتفاق افتاد.
مقاومت‌هایی که از جانب سیاهان شروع شده بود، در نهایت منجر به تعدیل و تعلیق - و نه
تغییر - بخش‌هایی از ایدئولوژی مسلط جامعه سرمایه‌داری آمریکا شد. یکی از این دگرگونی‌ها،
دریافتی تازه از زیبایی سیاهان آمریکاست. سیاهان که سال‌ها در تمامی ابعاد، به سفیدپوستان

بورژوا تشبه می‌کردند، در این هنگام بود که از استانداردهای جدید زیبایی سخن گفتند و گویی عناصر شکوفا، آرام آرام خود را در جامعه آمریکا نشان می‌دهند.

از طرفی دیگر، طبق نظر نوتاریخی باوران متأثر از افکار فوکو و آلتوسر، در این رمان، کلاودیا که ایدئولوژی سفیدپوستان را قبول ندارد و در مقابل هژمونی آن مقاومت می‌کند، سرانجام باید آن را قبول کند و یاد بگیرد که آن را دوست داشته باشد و این امر گونه‌ای از پذیرش استانداردهای قدرت مسلط به شمار می‌آید.

اما بر اساس سخن مادی‌گرایان فرهنگی و از جمله آن‌ها سین‌فیلد که نوعی عبور از جزم اندیشی نوتاریخی باوران است و بر پیش‌بینی ناپذیری نتیجه کشمکش طولانی میان قدرت مسلط و صداهای مخالف تأکید دارد؛ گاهی ایدئولوژی مسلط پیروز است و گاهی فرودست است که بر فرادست چیره می‌شود. عقیده سین‌فیلد به ما این اجازه را می‌دهد تا نظریه فراگیری (Containment) را محدود سازیم.

بنابراین، باتوجه به نظریات مادی‌گرایان فرهنگی، اگرچه مقاومت‌های کلاودیا و فریدا بی‌ثمر بودند، نیز اگر که نخستین چاپ رمان در آمریکا مورد اقبال عمومی قرار نگرفت و شکستی برای او محسوب می‌شد، ولی نمی‌توان بر این اعتقاد ماند که مقاومت‌های سیاهان در رودرویی با هژمونی سرمایه‌داران آمریکا به کلی بی‌ثمر بوده‌است، در واقع آن‌ها راه را برای بهبود وضعیت سیاهان باز کرده‌اند.

امروزه وضعیت سیاهان در جامعه آمریکا خیلی بهتر از چند دهه پیش است، آن‌ها امروز بیش از پیش به ارزش و اعتبار خود به عنوان انسان پی‌برده‌اند. با خوانش دقیق این رمان و برخی کارهای دیگر، شاید بتوان برای مقاومت‌هایی که از جانب شخصیت‌هایی چون تونی موریسون صورت گرفته، سهم عمده‌ای قایل بود.

Bibliography

Mehran, Mohajer, & M. Nabavi. (1383/2006). *Encyclopedia of Literary Theory*, Tehran: Agah Publication.

Abrams, M.H. (1993). *A Glossary of Literary Terms*, Harcourt Brace College Publishers, U.S.A.

Althusser, Louis. (1971). *Lenin and Philosophy and other Essays*, trans. Ben Breswester, Verso, London.

- . (1998). 'Ideological State Apparatus', in Julie Revkin and Michael Ryan(eds.), *Literary Theory: An Anthology*, Oxford:Blackwell Publishers,Oxford.
- Bartens, Hans. (2001). *Literary Theory: The Basics*, Routledge, London.
- . (1995). 'Panopticon' (Preface), in Miran Bozovic (ed.), *The Panoptican writings*, Verso, London.
- Bloom, Harold, ed. (2005). *Toni Morison*, Chelsea House Publications, USA.
- Bressler, Charles. (1994). *Literary Criticism: An Introduction to Theory and Practice*, Prentice-hall, U.S.A.
- Dollimore, Jonathan and Alan Sinfield (eds.). (1985). *Political Shakespeare: NewEssays in Cultural Materialism*, Manchester University Press, Manchester.
- Foucault, Michel. (1975). *The Birth of the Clinic: An Archaeology of Medical Perception*, Vintage Books, New York.
- . (1977a). *Madness and Civilization: A History of Insanity in the Age of Reason*, Tavistock, London.
- . (1991). *Discipline and Punish: The Birth of the Prison*, trans. Alan Sheridan, Harmondsworth: Penguin, London.
- . (1980). *Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings*, Collin Gordon (ed.), Harvester, London.
- . (1981). 'The Order of Discourse', in R. Young (ed.), *Untying the Text: A Post-structuralist Reader*, Routledge, London.
- . (1982). 'The Subject and Power', in H. Dreyfus and P. Rabino (eds.), *Michel Foucault: Beyond Structuralism and Hermeneutics*, Brighton: Harvester.
- . (1990). *The Will to Knowledge, The History of Sexuality: Volume I*, trans. Robert Hurley, Harmondsworth: Penguin, London.
- Gramsci, Antonio. (1998). 'Hegemony', (from 'The Formation of Intellectuals'), in Julie Revkin and Michel Ryan (eds), *Literary Theory: An Anthology*, Malden, Oxford: Blackwell Publishers, Oxford.
- Greenblatt, Stephan. (1980). *Renaissance Self-Fashioning: From More to Shakespeare*, University of Chicago Press, Chicago.
- . (1988). *Shakespearean Negotiations: The Circulation of Social Energy in Renaissance England*, Oxford, England.
- Makaryk, Irena Rima. (1993). *Encyclopedia of Contemporary Literary Theory*, General Editor and Compiler, University of Toronto Press.
- Mbalia, Doreatha. (2010). *Toni Morrison's Developing Class Consciousness*, Eastpart Boulevard, Cranbury , NJ08512, USA.

Montrose, Louis. (1989). 'Professing the Renaissance: The Poetics and Politics of Culture', in N. Aram Vesser (ed.), *The New Historicism*, New York.

Morison, Toni. (1979). *The Bluest Eye*, New York: Washington Press
Selden, R., and Widdowson, P., (1993). *A Readers Guide to Contemporary Literary Theory*, Bidles Ltd., London.

Sinfeld, Alan. (1992). *Faultlines: Cultural Materialism and the Politics of Dissidence Reading*, Oxford, London.

Williams, Raymond. (1977). *Marxism And Literature*, Oxford University Press, Oxford.

---. (1981). *Culture*, Glasgow: Fontana.

